



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱/۸

جليل غني هروی

تأملي بر طرح توافقنامه احتمالی صلح حکومت، طالبان و امریکا

صلح یکی از آرمانهای والای مردم افغانستان است ملتی که از تقریباً چهل سال به اینطرف به آرزوی تحقق چنین آرمانی قربانی داده است و هر ساعت و هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال برای تأمین صلح در کشور و زندگی بدون هراس از کشته شدن فرزندان و اعضای خانواده هر پدر و مادری و هر نفس کشی درین دیار دعا میکند و با هراس از اینکه شام جسد بیجان فرزندش و یا عزیز دیگری از خانواده را که یا برای تحصیل و یا برای آوردن لقمه نانی از منزل می برابند به او نسیپارند، جگر گوشگان و اعضای خانواده با یکدیگر وداع میکنند گویی که این آخرین دیدار شان خواهد بود. در چنین وضعی وقتی ندای صلح از هر مرجعی بلند می شود، بارقه امیدی در ذهن شان می درخشد و به آن لبیک می گویند. با چنین امیدی از چهل سال به این طرف با هر گونه نا ملایمات و شکنجه های روحی و جسمی نفس کشیدند زنده بودند ولی زندگی نکردند.

تازه ترین این بارقه طرح پیشنهاد صلحی است که روز دو شنبه به رسانه ها درز نمود و نهاد پژوهشی «رند» (Rand) یکی از نهاد های معتبر و سابقه دار ایالات متحده امریکا که حکومت و کانگرس ایالات متحده را در طرح سیاست های مهم خارجی و اقتصادی کمک میکند، تهیه گردیده و به وزارت خارجه امریکا فرستاده شده است. گفته می شود که این سند پنجاه صفحه ای را وزارت خارجه امریکا با افغانستان و بعضی دیگر از متحدین غربی و منطقوی شریک ساخته است. این طرح همه جوانب آوردن صلح را در افغانستان در نظر گرفته و رهنمود های را برای تأمین چنین هدفی در بر دارد که شامل مسایل حقوقی و سیاسی، امنیت، اداره، تشکیلات سیاسی و نحوه حکومتداری است. ولی نقاط عمده ای این سند مهم را می توان چنین خلاصه نمود:

- ۱- آتش بس شش ماهه
 - ۲- تشکیل حکومت انتقالی هجده ماهه و قابل تمدید
 - ۳- مذاکره روی بیرون شدن تدریجی بخش بزرگی از قوای خارجی از افغانستان طی این مدت
 - ۴- تعدیل قانون اساسی
 - ۵- تغییر ساختار حکومت
 - ۶- تقاضا برای تشکیل گروه کوچک و محدودی از کشور های دوست برای کمک در مبارزه با هراس افگنی، به خصوص جنگ با داعش، در افغانستان.
- هر یک از این عناوین و مواد این طرح، مستلزم بحث عمیق سیاسی، حقوقی، نظامی و امنیتی است تا تمام زوایای آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد تا نکند که باز هم مثل کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ بعد از سقوط حکومت طالبی، قدم های برداشته شود که نتیجه آن را امروز مردم افغانستان تجربه میکنند و نه تنها صلح و آرامشی را به ارمغان آورده نتوانست، بلکه باعث دوام جنگ و خونریزی ها و نا رسائی ها و کاستی های در نحوه حکومتداری و ساختار سیاسی گردید که برای حل چنین نا بسامانی ها ضرورت آغازی دوباره و طرح دیگری و با تشکیل دولت مؤقت دیگری و تعدیلات بنیادی دیگری در قانون اساسی و ساختار حکومتداری دیگری، ضرورت طرح و تلاش دیگری برای نجات از مصیبت فاجعه بار جنگ و تأمین صلح و آرامش در کشور، احساس می گردد.

گر چه احتمال تعدیلاتی درین پیشنهاد می رود زیرا مطالبی که درین پیشنهاد گنجانیده شده مستلزم بر رسی های که در مغایرت با قانون اساسی قرار نگیرد، میباشد. گر چه بار ها تأکید شده که هر گونه اقدام باید مطابق به احکام قانون اساسی، بزرگترین وثیقه ملی افغانستان باشد، اما در عمل از تشکیل حکومت وحدت ملی بعد از انتخابات جنجال بر انگیز سال ۲۰۱۵ گرفته تا آوردن مضافات و مواد در قوانین بعد از تصویب و تائید شورای ملی، تعیینات و دوام کار سرپرستان از وزیر تا معین و رده های پائین مامورین حکومتی و تمرکز غیر قانونی صلاحیت ها و صلب صلاحیت از مامورین حکومت در ولایات و سایر نهاد ها، نقض قانون اساسی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

ادامه داشته و تا کنون طبق احصائیه های که صورت گرفته بیش از نود بار قانون اساسی افغانستان نقض شده و مصلحت ها و روابط نقش مهمتری از قانون اساسی و ضوابط در اجرای امور داشته است. موضوع نخست و مهم این سند، آتش بس شش ماهه بین طالبان و حکومت افغانستان است که از همین اکنون مشکلزا گردیده و طالبان حاضر نیستند تا رسیدن به توافق با حکومت ایالات متحده روی تقسیم اوقات خروج قوای شان از افغانستان، به آن موافقه نمایند. چنانچه مذاکراتی که قرار بود روز چهارشنبه ۹ جنوری در دوه پایتخت قطر بین نمایندگان طالبان و امریکا دایر شود، از طرف طالبان فسخ گردید چون ادعا دارند که روی آجدای مذاکرات اختلاف نظر داشتند. قرار بود درین مذاکرات به ادامه مذاکرت ابو ظبی در دو هفته قبل، روی خروج اسمای رهبران طالبان از فهرست سیاه و تحریم ها، آزادی زندانیان طالبان و همچنان آتش بس مذاکره شود. در صورت توافق به آتش بس است که قدم های بعدی پیشنهادی در این سند، از جمله تشکیل حکومت مؤقت، می تواند مورد بحث قرار گیرد.

گر چه این سند، طوریکه از هر سند و پیشنهاد به خصوص در مورد مسایل بغرنجی مثل جنگ افغانستان انتظار می رود، تعدیل خواهد شد و اصلاحاتی در آن وارد خواهد گردید، ولی چند نکته در آن مبهم گذاشته شده و وضاحت های لازمه اولی را ندارد.

۱ - این حکومت مؤقت چه وقت باید تشکیل گردد و چه مرجعی آنرا تشکیل میدهد؟
۲ - حکومت انتخابی فعلی افغانستان به تشکیل چنین حکومتی و کنار رفتن از قدرت موافقه خواهد کرد؟ حکومت افغانستان بارها اصرار ورزیده که هیچ بدیلی برای حکومت موجوده افغانستان در رابطه با صلح در افغانستان وجود داشته نمی تواند با تشکیل حکومت مؤقت مخالفت کرده است.

۳ - آیا انتخابات ریاست جمهوری پیشرو بر گزار خواهد شد؟

۴ - آیا تشکیل چنین حکومت باز هم مغایر نص صریح قانون اساسی افغانستان خواهد بود؟

۵ - چگونگی تعدیل در قانون اساسی افغانستان مراحل و مقتضیاتی دارد که این قانون درین زمینه صراحت دارد و تا تصویب و انفاذ قانون اساسی جدید که باید به تائید لویه جرگه برسد مرعی الاجرا خواهد بود. چنین لویه جرگه ای را چه مرجعی دایر خواهد کرد؟ آیا حکومت مؤقت صلاحیت تدویر لویه جرگه را دارد. بعد از سقوط حکومت طالبی در نبود دولتی در افغانستان، ملل متحد لویه جرگه اضطراری را دایر نمود و قانون اساسی افغانستان را به تصویب رسانید. در حالت فعلی که به ملل متحد نقشی در حل اوضاع افغانستان و آوردن صلح داده نشده، چه مرجع قانونی و با اعتباری این لویه جرگه را دایر خواهد نمود و آیا دایر نمودن چنان جرگه می تواند مشروعیت قانونی پیدا کند و یا باز هم مشکل دیگر سیاسی بر مشکلات موجود افزوده خواهد شد؟

۶ - نتیجه انتخابات پارلمانی افغانستان چه خواهد شد آیا پارلمانی وجود خواهد داشت و یا اینکه در دوران حکومت مؤقت پارلمان نیز منحل خواهد گردید؟

این ها و سوالات دیگری در رابطه با این سند مستلزم توضیح است تا باز چند سال بعد ضرورت تکرار این عملیه که علت العلل بی ثباتی سیاسی در کشور است، احساس نشود و باز افغانستان در روند سیاسی و ساختار های دولت داری تخته ای مشق قدرت های جهانی و منطقوی نباشد.

در باره حکومت انتقالی هژده ماهه، در این سند می خوانیم که: ((این حکومت، یک نهاد اجرایی انتقالی دارای رئیس، چند معاون و اعضا خواهد بود و اگر احزاب دخیل در اوضاع افغانستان، نتوانند درباره یک شخص به حیث رئیس به توافق برسند، این مقام، می تواند دوره بی باشد.))

اگر حافظه ای متحدین افغانستان یاری کند، مردم افغانستان از چنین ترکیب و روندی خاطرات نهایت تلخی دارند. وقتی در هشتم ثور ۱۳۷۱ هجری شمسی مطابق ۲۸ اپریل ۱۹۹۲ میلادی، تنظیم های جهادی بعد از توافقی روی تشکیل حکومت مؤقت به کمک پاکستان در پیشاور، وارد کابل شدند، ریاست دولت بین رهبران این تنظیم ها دورانی بود و به آن موافقه شده بود. قرار بود نخست حضرت صبغت الله مجددی برای دو ماه و بعد برهان الدین ربانی برای چهار ماه به حیث رئیس دولت ایفای وظیفه نمایند و بعد ریاست دولت به گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی انتقال نماید. جناب مجددی برای چهار ماه از قدرت کنار نمی رفت تا این که در اثر فشارهای سایر تنظیم ها و پاکستان، مجبور به تسلیم دهی دولت به برهان الدین ربانی گردید. برهان الدین ربانی برای چهار ماه باید رئیس دولت می بود ولی در پان این دوره چهار ماهه نه تنها این که از قدرت کنار نرفت بلکه گروهی از متحدین خود را جمع و به نام شورای اهل حل و عقد از آنها بیعت گرفت. این حرکت آقای ربانی یکی از علل عمده جنگ های تنظیمی و صف بندی ها بین موافقین و مخالفن دولت شد و جنگ داخلی که در سطح نازلی بین جمعیت اسلامی و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار آغاز یافته بود، شدت گرفت و باعث ویرانی کابل و بعضی شهر های دیگر و هرج و مرج سیاسی و ظهور گروهی به نام طالب از جانب پاکستان برای خاتمه دادن به این جنگ ها شد.

همه شاهد هستیم که حکومت ربانی تا سال ۱۹۹۶ میلادی که گروه طالبان به دروازه های کابل رسید، و بعد از آن در گوشه از بدخشان ادامه یافت تا اینکه بعد از ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ که طالبان حاضر نشدند اسامه بن

لادن طراح حملات بر شهر های امریکا، نیو یارک، واشنگتن دی سی، بود به امریکا تسلیم دهند، ایالات متحده بر افغانستان حمله نمود و نظام طالبی را سقوط داد و نظام نوین افغانستان در ۲۰۰۱ در بن پایه گذاری شد. تجارب بیش از سه دهه جنگ به خصوص در دوران تهاجم قوای اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان نشان داد که این گروه ها همیشه تشنه قدرت بوده اند و هیچ مقطعی از مقاومت مردم افغانستان در برابر این تهاجم، با هم صادق نبوده اند و هر اتحاد و توافق آنها فقط برای مدت کوتاه حتی چند روز و چند هفته بوده و بعد بار دیگر بجای جنگ در برابر قوای تجاوز گر در برابر یک دیگر جنگیده اند. حتی در مکه معظمه با هم بروی قرآن قسم یاد نمودند که اختلافات را کنار گذاشته و متحدانه در برابر قوای متجاوز خواهند جنگید، ولی هنوز رنگ امضای شان بر روی این سند خشک نشده بود که باز هم در برابر یکدیگر جنگیدند. حالا هم همین گروه ها و تنظیم ها به حیث قدرت های مطرح خود را بر گرده ملت تحمیل کرده اند و متأسفانه هم متحدین افغانستان و هم دولت بر آنها تکیه میکند و این سند هم به آنها این امتیاز را می دهد که: «اگر احزاب دخیل در اوضاع افغانستان، نتوانند درباره یک شخص به حیث رئیس به توافق برسند، این مقام، می تواند دوره بی باشد»

این امتیاز نسخه ای دیگری است برای دوام مخالفت ها و زد و خورد های دیگر و تکرار درد آور سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶. درست که دران زمان این تنظیم ها کنترول نمی شدند و یکه تاز میدان بودند و اکنون متحدین بین المللی افغانستان حضور دارند و نمی گذارند که آن دوران تکرار شود. ولی این متحدین همین اکنون نیز در افغانستان حضور دارند و طالبان و سایر مخالفین در هر نقطه ای از افغانستان فعال هستند. این تنظیم ها هم سلاح دارند و هم جنگ دیده هستند چه تضمینی وجود دارد که اگر جنگ ها به آن شدت واقع نشود، نا آرامی و نا امنی به اشکال دیگری چون حملات چریکی که همه آنها دران تخصص دارند، دوام نمی کند و باز هم این مردم بیگناه خواهند بود که قربانی میدهند.

پایان